

موانع ازدواج

<?xml encoding="UTF-8">

در سلسله بحث هاي «نشانه هاي خدا در قرآن» خوانديم كه خداوند در قرآن، آفرينش «همسر» را يكي از نشانه هاي خود معرفي كرده است. به اين مناسبت بحث هايي پيرامون ازدواج، انتخاب همسر و... مطرح كرديم، و اينك آخرين بحث مربوط به ازدواج.

ازدواجي كه براساس «لتسكنوا اليها» بايد مايه آرامش و شكوفائي جامعه شود، با رواج موانع زيادي سر راه خود، توسط خود مردم مواجه شده است كه از جمله آنها رسوم موهوم و خرافي و سنگين كردن مهریه ها و جهیزیه ها و ديگر هزینه هاي ازدواج و توقعات بي جا و همچنين آرزوهای بي جا و تشریفات بیش از اندازه متعارف با هزینه هاي كمرشكن است كه روز به روز هم رو به افزايش است. اينها قهرا امر ازدواج را ناممكن يا خيلي دشوار ساخته است تا جائي كه خيلي از جوانها قيد ازدواج را زده و به فساد و تباهي كشيده مي شوند. آيا ما نمي توانيم به جاي تالارها در خانه ها جشن گرفته و هرچه ساده تر و باصفا تر برگزار كنيم (و اگر در تالار برگزار مي كنيم، به صورت كم تشریفات، مثلا با يك نوع غذا و حذف هزینه هاي غير ضروري باشد) تا هزینه هاي اضافي به مصرف واجبات خانواده نوبا برسد؟ و كساني هم كه از امكانات بيشتري برخوردارند، براي سامان دادن به ازدواج ديگران، يا امور خیریه ديگر اختصاص دهند تا اين كارهاي خير به عنوان خاطره خوب ازدواجشان باقي و درسي براي ديگران باشد؟

آيا ما نمي توانيم به پيروي از پيشوايان معصوم خود مخصوصا پيامبر گرامي اسلام صلي الله عليه و آله، كارها را براي خود سهل و آسان بگيريم تا هم خود و هم فرزندان جوانمان كه مي خواهند زندگي جديدي را شروع كنند، با آرامش خاطر به زندگي مشترك خود ادامه دهند؟ در اينجا ممكن است گفته شود كه زمان تغيير كرده و الان در قرن بيست و يكم هستيم و رسومات آن دوران به ما ربطي ندارد.

در پاسخ بايد گفت : دوران پيامبر صلي الله عليه و آله را نمي توان از اين مشكلات دست و پا گير كه الان گريبانگير جوامع، خصوصا جامعه اسلامي ما شده، استثنا كرد. زيرا در آن دوران نيز اشراف و ثروتمندان و قدرتمندان، مراسم عروسي پرتشریفات برپا مي كردند، دختران خود را به افرازي تزويج مي نمودند كه از قدرت و امكانات مالي برخوردار باشند و از عهده انتظارهاي آنها برآيند. ولي پيامبر گرامي اسلام با اين رسوم موهوم مبارزه كرد و دختران ثروتمند را به مردان بي بضاعت و همچنين دختران فقير را با مردان با مكنت تزويج كرد. چنانكه در حديثي از امام باقر مي خوانيم :

«زني حضور پيامبر رسيد عرض كرد : مرا شوهر دهيد. پيامبر فرمود : كيست با اين زن ازدواج كند؟ شخصي بلند شده و آمادگي خود را اعلام كرد پيامبر پرسيد : براي مهریه چه داري؟ عرض كرد چيزي ندارم. فرمود : آيا چيزي از قرآن بلدي؟ گفت : بلي. فرمود : مقداري از قرآن را به عنوان مهریه يادش بده» (1).

اين روايت سادگي ازدواج و مهریه را مي رساند. و اين كه مهریه و جهیزیه و تشریفات، اساس زندگي مشترك را تشكيل نمي دهند. بلكه چيزي كه در اين مورد مهم است، ايمان و اخلاص و محبت دو طرف به يكدیگر است.

بنابراین در مقابل چشم هم چشمی ها و رسومات غلط باید ایستاد و مبارزه کرد و این گونه مسائل، مسائلی نیست که بتوان گفت دولت یا ارگانهای دیگر از این جور کارها جلوگیری کند، بلکه اینها مسائل فرهنگی است و باید خود مردم با آنها مبارزه کنند، و گرنه با دستور و بخشنامه و امثال اینها درست نمی شود. لذا باید روی بخش فرهنگی تکیه کرد. و به عواقب آن فکر کرد تا از جهنمی که به دست خود ایجاد کرده ایم، نجات پیدا کرده و به هویت اسلامی خود باز گردیم و نگذاریم جامعه پاک اسلامی ما مانند غرب آلوده به فساد و لایبالیگری شود و ضد ارزشها را ارزش تلقی کنیم. البته در این زمینه نقش رسانه های گروهی، به ویژه صدا و سیما خیلی مؤثر است. نگذاریم جوانان به جایی برسند که مانند دوران قبل از انقلاب در کشور عزیزمان ایران، جوانان به عدم ازدواج تشویق شوند، و ضد ارزشها را ارزش به حساب آورند.

مهریه چیست؟

مهریه مال معینی است که از طرف شوهر در برابر همسری، به زن تملیک می شود (اعم از پول نقد و جنس و ملک و اجرت کاری) و یا به نفع زن بر ذمه گرفته می شود؛ با رضایت طرفین (دختر و پسر). خواه کم باشد یا زیاد. ولی کم بودن مهریه از محسنات زن صالحه به شمار رفته است. چنانکه در حدیثی از امام صادق علیه السلام می خوانیم :

«ان من بركة المرأة قلة مهرها و من شؤمها كثرة مهرها» (2).

«از برکت زن کمی مهریه اوست، و زیاد بودن مهریه، نشانه شوم بودن زن است».

البته مهریه با این که شرعا واجب است که باید تعیین شود، اما به اندازه اصالت خانوادگی دختر و پسر و ایمان و اخلاق خوب آنان، اهمیت ندارد، چنانکه می دانیم اگر هنگام خواندن عقد، سخن از مهریه به میان نیاید و مهریه تعیین نشود، عقد صحیح است. و بعد از عقد تعیین می شود منتهی به فراخور موقعیت خانوادگی و مهارتهای دو طرف و ملاحظه خانواده های مشابه، و امثال اینها که مهرالمثل نامیده می شود. یعنی دخترانی که همشان و همطرز آن دختر هستند، به اندازه آنها مهریه تعیین می شود.

گرچه در تعیین مهریه، دختر و پسر یا وکلای آنان صاحب اختیارند و هر قدر تعیین کنند، جایز است، اما از روی عقل و درک نه احساسی که عقلش را تحت الشعاع قرار دهد؛ و نه مانند آن مردی که به نقل مطبوعات، در یکی از شهرهای شمال، قلب خود را مهریه همسرش کرده بود که زن جوان با مراجعه به دادگاه خواستار مهریه خود شد که در نتیجه، دادگاه مبلغ 58 میلیون تومان برای قلب همسر این زن تعیین کرد که باید پرداخت شود (3).

ولی اگر مهریه را «مهرالسنة» (4) قرار دهند، مستحب است. مهرالسنة، مهریه ای است که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام برای زنان و دختران خود و خانواده خودشان تعیین می کردند. در تاریخ آمده است وقتی معاویه از دختر حضرت زینب علیها السلام برای یزید خواستگاری کرد، به فرستاده خود توصیه کرد : به پدر و مادر دختر بگو اگر با ازدواج آنها موافقت کنند بدهی های آنان را ادا می کنم و میزان مهریه در اختیار پدر و مادر دختر است هر قدر خواستند قرار می دهیم و پول هر مقدار خواستند می دهیم. پدر و مادر دختر گفتند : اختیار دختر و همه ما به دست دایی دختر، حضرت امام حسین علیه السلام است، هرچه ایشان تصمیم بگیرند، ما راضی هستیم.

امام حسین علیه السلام فرمود :

«اگر یزید لایق همسری این دختر بود، مهریه اش همان مهرالسنة بود، ما دخترانمان را به پول نمی دهیم و

عادت‌مان این نیست که با شوهر دادن دختر، دین خود را ادا نمائیم».

بعد دختر را به عقد پسر عمویش درآورد و قطعه زمینی هم به آنها بخشید (5).

آیا جوانان این مرز و بوم که تا پای جان به عزیز زهرا امام حسین علیه السلام عشق می‌ورزند، نمی‌توانند از رهبر و امام خود تبعیت نموده و تشریفات و تجملات را کنار گذاشته و به ساده گرفتن و آسان گرفتن فکر کنند؟ همچنین آیا بزرگان و پدران و مادران نمی‌توانند از سرور آزادگان، ابا عبدالله الحسین علیه السلام تاسی نموده به جای تشریفات بی‌مورد و سخت‌گیری‌های بی‌جا (چنانکه بعضی‌ها داشتن خانه و ماشین و... را پیش شرط ازدواج دخترشان قرار می‌دهند)، بیایند خرج ضروریات زندگی جوانان بنمایند تا جامعه‌ای که در اثر فرار جوانان از ازدواج، به تباهی کشیده می‌شوند، جلوگیری کنند؟

هر ملتی و هر امتی برای خود در تمام مراحل زندگی الگویی دارند لذا مسلمانان بالاخص شیعیان باید در تمام مراحل زندگی و بالاخص در این مورد پیامبر اسلام را به عنوان پدر عروس و امیرالمؤمنین علی علیه السلام را به عنوان داماد و حضرت زهرا علیها السلام را به عنوان عروس؛ الگو و سرمشق عروسی و زندگی خود قرار دهند. لذا ما با بیان جریان خواستگاری تا مراسم جشن عروسی علی علیه السلام و زهرا مرضیه علیها السلام به صورت خیلی مختصر، سخن خود را به پایان می‌بریم باشد که خداوند توفیق پیروی از حضرتشان را به ما عنایت فرماید.

خواستگاری علی علیه السلام از فاطمه زهرا علیها السلام

پس از خواستگاری بزرگان قریش و ثروتمندان از حضرت زهرا؛ پیامبر فرمود ازدواج حضرت زهرا علیها السلام به فرمان خدا باید انجام پذیرد، اصحاب پیامبر فهمیدند که غیر از علی علیه السلام همشانی از نظر فضائل اخلاقی و ایمان و اخلاص و... برای فاطمه نیست و کسی در آن حد نیست که بتواند با زهرا ازدواج نماید لذا علی علیه السلام را تشویق به خواستگاری کردند و چون علی علیه السلام قلباً موافق این مطلب بود و دنبال فرصتی برای طرح موضوع می‌گشت، روزی خدمت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله رسید اما حیا سراسر بدن او را گرفته سر به زیر افکند و معلوم بود که می‌خواهد مطلبی را به عرض پیامبر برساند ولی شرم مانع می‌شد، پیامبر او را وادار به سخن گفتن کرد و او با کلماتی مقصود خود را رساند و پیامبر با خواستگاری علی موافقت کرد و فرمود: فقط صبر کن تا این موضوع را با دخترم در میان بگذارم وقتی به زهرا گفت: او سکوت کرد. پیامبر فرمود: «الله اکبر، سکوتها اقرارها» (6).

وقتی رضایت حضرت زهرا علیها السلام حاصل شد، علی علیه السلام از طرف پیامبر مامور شد زره خود را بفروشد و خرج عروسی نماید، وقتی پول زره را آوردند، پیامبر مشتی از آن را به بلال داد تا برای عروس عطر بخرد و مقداری به ابوبکر داد تا برای داماد لوازم زندگی بخرند که با آن پول چیزهایی خریداری شد که هم وسائل زندگی برای داماد و هم جهیزیه عروس به حساب آمد.

جهیزیه حضرت زهرا علیها السلام

جهیزیه حضرت زهرا علیها السلام بسیار اندک و ساده و شامل ارقام زیر بود:

1. پیراهن هفت درهمی؛ 2. روسری یک درهمی؛ 3. قطیفه‌ای که تمام بدن را می‌پوشانید؛ 4. تختی که از لیف خرما و چوب درست شده بود؛ 5. دو عدد تشک از جنس کتان مصری؛ 6. چهار عدد بالش؛ 7. پرده؛ 8. حصیر؛ 9. دستاس؛ 10. مشکي پوستین؛ 11. کاسه چوبی برای شیر؛ 12. ظرف آب پوستین؛ 13. کوزه؛ 14. چند کوزه دیگر؛

15. دو عدد بازوبند نقره اي؛ 16. ظرف مسي.

وقتي كه چشم پيامبر به آنها افتاد چنين دعا كرد : «اللهم بارك لقوم جل آيتهم الخلف» (7). «خدایا زندگي كساني را كه اكثر ظرفهاي آنان سفال است، مبارك گردان».

مراسم عروسي

از طرف داماد و عروس عده اي دعوت شدند تا علي عليه السلام به خاطر همسر خود وليمه اي ترتيب دهد پس از صرف غذا، پيامبر اسلام صلي الله عليه و آله دست دختر خود را در دست علي گذاشت و فضائل هر دو را به آنها گوشزد كرد و كارها را به اين صورت تقسيم كرد كه كارهاي خانه با زهرا و كارهاي بيرون خانه از آن علي عليه السلام باشد و سپس دستور داد زنان مهاجر و انصار دور شتر عروس را گرفته و به خانه شوهر ببرند (8) و با اين سادگي ازدواج برترين زنان عالم كه اگر علي نبود، همشاني براي ازدواج با او پيدا نمي شد، به پايان رسيد. و بدین ترتیب پيامبر اسلام صلي الله عليه و آله از خواستگاري دخترش تا خانه اميرالمؤمنين علي عليه السلام چنان اخلاص و صميميتي نشان داد كه تا به حال كسي سراغ ندارد.

پي نوشت ها :

- 1) تهذيب الاحكام، ج 7، ص 410، باب 10، حديث 6.
- 2) روضة المتقين، ج 8، ص 98.
- 3) روزنامه كيهان، 15 مرداد 1381.
- 4) پانصد هزار درهم كه حدودا ششصد هزار و اندي تومان مي شود (بحارالانوار، ج 43، ص 94).
- 5) دكتور احمد بهشتي، زنان نامدار، ج 3، ص 87.
- 6) بحار ج 43، ص 93.
- 7) بحار، ج 43، ص 94.
- 8) بحارالانوار، ج 43، ص 94.